

بازی [همچنان] ادامه دارد آقای عابدزاده!

صادق رضازاده

احمد رضا عابدزاده، همیشه آخرین امید بود. چه لحظه‌ای که برای اولین بار در ترکیب تیم ملی مقابل کویت در درون دروازه ایستاد و وارث تیم شورش‌ها شد. چه آن وقتی که مصاف تک‌به‌تک‌ها را یکی‌پس‌ازدیگری از هری‌کیول استرالیایی پیروز می‌شد و با سیوهای تک‌دست، مسیر تاریخ فوتبال ایران را تغییر می‌داد. چه لحظه‌ای که برای آخرین بار در در قامت بازیکن با اسطوره‌ی آلمان‌ها دست داد و چه آن لحظه‌ای که روی تخت بیمارستان کسری به کما رفته بود. ما از لحظه‌های تاریک احمد رضا عابدزاده چیزی نمی‌دانیم. هیچ‌کس نمی‌داند. گویی رنج و اندوه برای چهره‌ی محبوب و کاریزماتیک فوتبال ایران، در خلوت معنای بیش‌تری پیدا می‌کند. اما درد و زخم به یک‌باره خود را نمایان می‌سازد. ناگهان چهره‌ی خندانی را به چهره‌ای ناامید تبدیل می‌کند. برای هرکسی در یک لحظه و برای احمد رضا عابدزاده در ساعت یک نیمه‌شب ۱۲ اسفند ۱۳۸۰.

